

## نقش توانایی مدیریت در تغییر داوطلبانه و اجباری حسابرسان

حمیدرضا رضایی\*، عیسی کریمی پورنمچ\*\*، مصطفی قناد\*\*\*

### چکیده

با توجه به اهمیت نقش حسابرسان مستقل به عنوان یکی از ارکان بازار سرمایه، تغییرات منظم آنها به عنوان یکی از راهکارهای اساسی در افزایش استقلال آنها مدنظر قرار گرفته است. در همین راستا، تبصره ۲ ماده ۱۰ دستورالعمل موسسات حسابرسی، تغییر اجباری حسابرسان را الزامی کرده است. این پژوهش با هدف بررسی نقش توانایی مدیریت در تغییر اجباری و داوطلبانه حسابرسان شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پایه ریزی شده است. بازه زمانی پژوهش دوره ده ساله ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۲ و اطلاعات ۱۱۳ شرکت بررسی شده است. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، از رگرسیون لجستیک استفاده شده و برای هر فرضیه یک مدل رگرسیون کلی تخمین زده شده است. نتایج پژوهش در سطح کل صنایع حاکی از آن است که توانایی مدیریت، اثری در تغییر اجباری و داوطلبانه حسابرسان ندارد، اما در سطح هر صنعت مشاهده شد که در صنایع فلزی بین توانایی مدیریت و تغییر داوطلبانه حسابرسان رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

**واژه‌های کلیدی:** تغییر اجباری حسابرسان، تغییر داوطلبانه حسابرسان، توانایی مدیریت

## مقدمه

در چند دهه اخیر پژوهشگران زیادی در حوزه تجارت، کارایی و تأثیر توانایی مدیران بر عملکرد شرکت را مورد بررسی قرار داده‌اند. از قلب این مباحث دو تئوری ناسازگار و متفاوت در مورد تأثیر مدیر بر شرکت و نحوه آن حاصل شده است. از یک طرف تئوری اقتصاد نئوکلاسیک<sup>۱</sup> عقیده دارد که مدیر، بخش قابل جایگزینی در شرکت است. به علاوه، شخصیت، جانبداری و تصمیمات مدیریت در نهایت تأثیر بسیار اندکی بر شرکت، به عنوان یک مجموعه کلی دارد. پژوهشگران این تئوری را به چالش کشیده‌اند و تئوری سطوح فوقانی<sup>۲</sup> توسط هامبریک و ماسون (۱۹۸۴) ارائه گردید. دیدگاه تئوری یاد شده این است که مدیران رده بالایی سازمان و ویژگی‌های آن‌ها، تأثیر با اهمیتی بر دست آوردهای شرکت دارند (سی و ویلیامز، ۲۰۱۲).

در برخی پژوهش‌های حوزه حسابداری به این نتیجه رسیده‌اند که مدیر در زمینه رفتارها و انتخاب‌های حسابداری سازمان نقش مهمی دارد. برای نمونه، مدیر نقش بسیار مهمی در فعالیت‌های افشای اختیاری سازمان (بامبر و همکاران، ۲۰۱۰)، رفتارهای مربوط به فرار مالیاتی (دیرنگ و همکاران، ۲۰۱۰) و تعیین برآوردهای حسابداری از قبیل ارقام تعهدی اختیاری، اجاره‌های عملیاتی و نرخ بازده مورد انتظار طرح‌های بازنشتگی (گی و همکاران، ۲۰۱۱) دارد. لی و همکاران (۲۰۱۰) این موضوع را در حسابرسی بررسی کردند و نتیجه گرفتند که احتمال دریافت گزارش مردود در مورد کنترل‌های داخلی، با کاهش شایستگی مدیریت افزایش می‌یابد. سی و ویلیامز (۲۰۱۲) نیز نشان دادند که بین توانایی مدیریت و تغییر حسابرس ارتباط منفی و معنادار وجود دارد. این پژوهش‌ها دیدگاه تئوری سطوح فوقانی را تقویت کرده و نشان می‌دهند برخلاف تئوری اقتصاد نئوکلاسیک، مدیر تأثیر بااهمیت و انکارناپذیری بر تصمیمات آتی و عملکرد شرکت دارد.

از سوی دیگر، حسابرسی صورت‌های مالی و سایر اطلاعات مالی از مهمترین ابزارهای حصول اطمینان از شفافیت اطلاعات مالی شرکت‌ها به شمار می‌رود. حسابرسان مستقل از طریق اعتباردهی به صورت‌های مالی و سایر اطلاعات مورد رسیدگی، آلودگی‌ها را از اطلاعات مالی می‌زدایند و موجب شفافیت اطلاعاتی شرکت‌ها می‌شوند. بر همین اساس، حسابرسی صورت‌های مالی توسط حسابرسان مستقل به عنوان یکی از الزامات اصلی بورس‌های مختلف دنیا به شمار می‌آید. در دهه اخیر که به دلیل برخی رسوایی‌های مالی

نظیر رسوایی‌های حسابداری شرکت‌های انرون، ورلد کام و نظایر آن، استقلال حسابرسان همواره مورد سؤال قرار گرفته است؛ نهادهای نظارتی حرفه حسابداری و بازار سرمایه به منظور تقویت استقلال حسابرسان، تغییر منظم آن‌ها را به عنوان یکی از راهکارها پیشنهاد یا الزام کرده و به اجرا گذاشته‌اند (بولو و همکاران، ۱۳۸۹).

در ایران نیز در سالهای اخیر مسأله تغییر حسابرس و مزایای حاصل از آن مورد توجه حرفه قرار گرفته است. در سازمان حسابرسی به منظور اعمال کنترل و بررسی بیشتر، گروه‌های حسابرسی مسئول اجرای کار در دوره‌های زمانی با میانگین سه سال تغییر می‌کنند. این نوع جابجایی ممکن است مسئولیت انجام حسابرسی یک شرکت را از یک مدیر سلب و به مدیر دیگری در داخل آن سازمان محول کند؛ لذا فرایند تغییر صرفاً بین گروه‌های مختلف در درون سازمان حسابرسی انجام می‌شود و در زمره مقررات تغییر حسابرس، آن گونه که در سایر کشورها مدنظر است؛ قرار نمی‌گیرد. با تصویب دستورالعمل مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار در تاریخ هشتم مردادماه سال ۱۳۸۶ توسط شورای عالی بورس و اوراق بهادار، تغییر منظم حسابرس مستقل و بازرس قانونی در دوره زمانی چهار ساله الزامی شد و تمام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و سایر اشخاص تحت نظارت سازمان بورس و اوراق بهادار، موظف به رعایت آن شدند (بولو و همکاران، ۱۳۸۹).

طبق تئوری سطوح فوقانی و باتوجه به نتایج پژوهش لی و همکاران (۲۰۱۰) و سی و ویلیامز (۲۰۱۲) مدیر احتمالاً بر ماهیت انتخاب حسابرس و روابط متقابل شرکت و حسابرسان نیز تأثیرگذار است. برای آزمون این دیدگاه، پژوهش حاضر ارتباط بین ویژگی‌های خاص مدیریت و احتمال تغییر حسابرس را در بورس اوراق بهادار تهران بررسی کرده است.

### مبانی نظری

طی سال‌های متمادی پژوهشگران حوزه‌های اقتصاد، مدیریت، حسابداری و مالی نقش مدیریت در شرکت را بررسی کرده‌اند. برتراند و اسکور (۲۰۰۳)، بامبر و همکاران (۲۰۱۰) و گی و همکاران (۲۰۱۱) اعتقاد دارند که اغلب این پژوهش‌ها حول تئوری سنتی اقتصاد نئوکلاسیک سازمان یافته‌اند. طبق این تئوری، فعالیت‌های مدیر نامربوط با دست‌آوردهای

شرکت است. از سوی دیگر، تئوری سطوح فوقانی که توسط هامبریک و ماسون (۱۹۸۴) ارائه و توسط هامبریک (۲۰۰۷) توسعه یافت؛ ابراز می‌دارد که نقش مدیریت در فعالیت‌های شرکت مهم است (سی و ویلیامز، ۲۰۱۲: ۵). یکی از این فعالیت‌ها تغییر حساب‌برسان مستقل شرکت است. شرکت‌ها الزاماً به منظور دریافت اظهارنظر مطلوب، مدیریت سود، جلوگیری از افشای تقلب، اقدامات غیرقانونی و ضعف عملکرد مدیریت، حساب‌برسان خود را تغییر نمی‌دهند؛ بلکه تغییر حساب‌برس در برخی موارد، به قصد بهبود عملکرد شرکت انجام می‌شود (مهدوی و ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۱۲۰).

### توانایی مدیریت<sup>۳</sup>

مدیران همواره نقش مهم و حیاتی در سازمان‌ها ایفا می‌کنند. اثر مدیران برجسته در کسب درآمد، سود و موفقیت‌های سازمانی، امروزه به خوبی در بسیاری از سازمان‌های موفق بارز و آشکار است. از سوی دیگر پاسخ سریع به تهدیدها و فرصت‌های عصر حاضر، مدیر را به عنوان منبعی حیاتی در حل مسائل در سازمان‌ها مطرح ساخته که بر این اساس نیاز سازمان‌ها به مدیران شایسته بیش از پیش آشکار شده است. شایستگی‌های مدیریتی متشکل از مجموعه‌ای از دانش، مهارت‌ها و توانایی‌ها و انگیزه‌ها است به منظور اینکه مدیر بتواند وظایف محوله را به خوبی انجام دهد (کرمی، ۱۳۸۶).

دو نظریه متفاوت در مورد اینکه چگونه مدیر می‌تواند در یک شرکت اثر گذار باشد؛ وجود دارد. از یک‌سوء، نظریه اقتصادی نئوکلاسیک‌ها نشان می‌دهد که مدیران همگن، مانند قطعات قابل تعویض در یک سازمان می‌باشند. افزون بر این، ویژگی‌های فردی آن‌ها مانند تعصبات و تصمیم‌گیری اگر وجود داشته باشد؛ در نهایت تأثیر بسیار کمی در شرکت به عنوان یک کل دارند. با این حال، محققان این مفهوم مبادله‌مدیریتی، که منجر به توسعه نظریه هامبریک و میسون (۱۹۸۴) می‌شود را به چالش کشیده‌اند. تئوری آن‌ها حاکی از آن است که مدیران سطح بالا و ویژگی‌های فردی آن‌ها در نتایج شرکت مهم هستند.

مطالعات حسابداری اخیر توجه به مدیران در زمینه گزینه‌های حسابداری و رفتار سازمانی را نشان می‌دهد. به عنوان نمونه، به نظر می‌رسد مدیران می‌توانند تأثیر قابل توجهی بر شیوه افشاء داوطلبانه خود در سازمان (بامبر و همکاران، ۲۰۱۰) و رفتار مالیاتی شرکت (دیرنگ و همکاران، ۲۰۱۰) و تعیین برآوردهای حسابداری از جمله ارقام تعهدی (اختیاری، اجاره عملیاتی و نرخ بازده مورد انتظار دارایی‌های فرسوده (جی و همکاران،

۲۰۱۱) داشته باشند. لی و همکاران (۲۰۱۰)، این موضوع را در محیط حسابرسی بررسی کردند و دریافتند که احتمال دریافت اظهارنظر مردود در مورد کنترل داخلی مخالف با کاهش صلاحیت مدیران افزایش می‌یابد. مضمون مشترک در جریان پژوهش این است که بر خلاف نظریه نئوکلاسیک اقتصادی، مدیران فردی نقش قابل ملاحظه‌ای در تصمیم‌گیری‌ها و عملکرد شرکت دارند (سی و ویلیام، ۲۰۱۲).

کیفیت مدیریت مؤثر نقش حیاتی در قدرت ایجاد ارزش و سودآوری در آینده کسب و کار شرکت دارد. صلاحیت مدیریت عملیاتی از عوامل مهم بهره‌وری و اثربخشی عملیات و پیش‌بینی سود در آینده است. مدیر با صلاحیت، یک منبع سودآور برای شرکت است؛ او یک سرقفلی و یا دارایی‌های نامشهود برای شرکت به شمار می‌آید (بولو و طالبی، ۱۳۸۹) و انتظار می‌رود که مدیران لایق پس از کنترل اثرات داخلی، سود بالاتری را گزارش کنند (دمرجان و همکاران، ۲۰۱۲).

کیفیت توانایی‌های مدیریتی و یا استعداد، مرکزی برای بسیاری از سوالات مهم تحقیق است؛ مانند بررسی سهم مدیریتی در عملکرد شرکت، تصمیمات سرمایه‌گذاری، پاداش مدیران اجرایی، حاکمیت شرکتی، اثرات اقتصادی مالکیت شرکت‌های بزرگ و تفاوت‌های بهره‌وری. پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که ویژگی‌های خاص مدیریت (شامل: توانایی، استعداد، شهرت یا پیشه) بر نتایج اقتصادی اثر می‌گذارد و بنابراین در اقتصاد، امور مالی، حسابداری و پژوهش‌های مدیریتی مهم است. در پژوهش حاضر یک اندازه‌گیری جدید از توانایی مدیریتی بر اساس بهره‌وری مدیران معرفی شده است. در مدل ارائه شده، گروهی از منابع عمومی مانند: بهای تمام شده موجودی‌ها، هزینه‌های عمومی و اداری، دارایی‌های ثابت، هزینه اجاره، هزینه‌های تحقیق و توسعه و دارایی‌های نامشهود در مدل آورده شده است. در این مدل انتظار می‌رود مدیران درک بهتری از روند تکنولوژی و صنعت و پیش‌بینی درستی از تقاضای محصول داشته باشند؛ در پروژه‌هایی با ارزش بالاتر سرمایه‌گذاری کنند و کارکنان خود را با بازده بیشتری نسبت به سایر مدیران، مدیریت کنند. به طور خلاصه، مدل ارائه شده انتظار دارد که مدیران توانایی آن را داشته باشند که با استفاده از منابع یکسان، درآمد بیشتری تولید کنند و یا برعکس، برای یک سطح از درآمد، منابع مورد استفاده را به حداقل برسانند (دمرجان و همکاران، ۲۰۱۲).

طبق یافته‌های برتراند و اسکور (۲۰۰۳) و گی و همکاران (۲۰۱۱) توانایی مدیریت تأثیر

بر تصمیمات و عملکرد شرکت را دارد. همچنین براساس یافته‌های لی و همکاران (۲۰۱۰) و سی و ویلیامز (۲۰۱۲) مدیر همچنین توانایی اثرگذاری بر عملکرد و تغییر حساب‌برسان مستقل را نیز دارد.

تعریف و تعیین حدود توانایی مدیریت در ادبیات موجود بسیار متفاوت و ضد و نقیض است. دمرجان و همکاران (۲۰۱۲) برخی از این معیارها را فهرست کرده‌اند. برخی از معیارهای متداول‌تر در پژوهش‌های گذشته شامل موارد زیر است: بازده سهام تعدیل شده بر اساس صنعت یا نرخ بازده دارایی‌ها<sup>۴</sup> (فی و هدلاک، ۲۰۰۳؛ میلپورن، ۲۰۰۳)، جبران خدمات مدیرعامل (ترویو، ۲۰۰۸) و دوره تصدی مدیرعامل (میلپورن، ۲۰۰۳). این معیارها مبهم و نادرست هستند و اغلب نشان‌دهنده عوامل خاص شرکت می‌باشند که خارج از کنترل مدیر هستند. دمرجان و همکاران (۲۰۱۲) معیار جدیدی از توانایی مدیریت بر مبنای کارایی در تولید درآمد ارائه کرده‌اند. این معیار ترکیبی از مجموعه شاخص‌هایی است که در پژوهش‌های گذشته به درستی نمایانگر سهم مدیران از عملکرد شرکت بوده است. در بخش تعریف متغیرهای پژوهش به بررسی مدل مزبور پرداخته شده است.

### تغییر حساب‌برس

یکی از الزامات رقابت سالم، دسترسی همه مشارکت‌کنندگان بازار سرمایه به اطلاعات شفاف است. نبود اطلاعات شفاف در این بازار موجب افزایش هزینه مبادلات و ناتوانی بازار در تخصیص بهینه منابع و همچنین تصمیم‌گیری نادرست توسط سرمایه‌گذاران می‌شود. یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر شفافیت اطلاعات، حساب‌رسی اطلاعات مالی است. به همین دلیل، افزایش کیفیت کار و حفظ استقلال مؤسسات حساب‌رسی همواره مورد توجه مقامات ناظر بازار سرمایه و حرفه حساب‌رسی قرار گرفته و آنها راهکارهای مختلفی را برای این منظور توصیه کرده‌اند که یکی از این راهکارها، تغییر منظم حساب‌برس مستقل است (بولو و همکاران، ۱۳۸۹).

پژوهش‌های پیشین نشان داده‌اند که تغییر حساب‌برس، در نتیجه‌ی مجموعه بسیار پیچیده‌ای از روابط بین شرکت و حساب‌برسان رخ می‌دهد (استفانیاک و همکاران، ۲۰۰۹). این دلایل عمدتاً شامل برخی ویژگی‌های شرکت و حساب‌برسان مانند عملکرد و وضعیت مالی، ریسک، کیفیت کنترل‌های داخلی، دوره تصدی مؤسسه حساب‌رسی، نوع اظهارنظر حساب‌برس و سایر عوامل مرتبط است (سی و ویلیامز، ۲۰۱۲: ۶). در ایران روحی و ایمان

زاده (۱۳۸۸) حق الزحمه حسابرسی، کیفیت کار حسابرس، تغییر مدیران شرکت، اندازه شرکت و نرخ بازگشت سرمایه و رضازاده و زارعی مروج (۱۳۸۸) حق الزحمه حسابرسی، کیفیت کار حسابرس، تغییر ترکیب مدیران شرکت‌ها و اندازه شرکت را به عنوان عوامل مؤثر بر تغییر حسابرس شناسایی کردند. کسل و همکاران (۲۰۱۲) و لی و همکاران (۲۰۰۴) با آزمون نقش راهبری شرکتی<sup>۵</sup>، عوامل تعیین کننده سنتی تغییر حسابرس را توسعه دادند و هر دو به این نتیجه رسیدند که راهبری شرکتی نقش مهمی در کاهش احتمال تغییر حسابرس دارد. تغییر حسابرس ممکن است به واسطه برخی از ویژگی‌های خاص مدیران (توانایی مدیریت) باشد که تا کنون در ایران آزمون نشده است.

### تغییر داوطلبانه<sup>۶</sup> و اجباری<sup>۷</sup> حسابرس

تبصره ۲ ماده ۱۰ دستورالعمل موسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار بیان می‌دارد که مؤسسات حسابرسی و شرکا یا مدیران مسئول کار حسابرسی هر یک از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، مجاز نیستند پس از گذشت ۴ سال متوالی، مجدداً سمت حسابرس مستقل و بازرس قانونی شرکت مذکور را بپذیرند. با توجه به شروع مهلت ۴ ساله از تاریخ تصویب دستورالعمل یعنی ۱۳۹۰/۰۵/۰۸، لذا موسسات حسابرسی از تاریخ ۱۳۹۰/۰۵/۰۸ در صورتی که ۴ سال متوالی حسابرس و بازرس قانونی شرکت بوده‌اند؛ نمی‌توانند مجدداً این سمت را عهده‌دار شوند. به عبارت دیگر در صورتی که مجمع عمومی عادی شرکتی پس از تاریخ ۱۳۹۰/۰۵/۰۸ برگزار شود؛ موسسه حسابرسی که ۴ سال متوالی قبل حسابرس و بازرس شرکت بوده است، نمی‌تواند مجدداً آن سمت را در شرکت مذکور بپذیرد. با توجه به اینکه چرخش موسسات حسابرسی پس از دوره ۴ ساله در سال ۱۳۸۶ الزامی شده است و شروعاولین دوره این مهلت از تاریخ تصویب این دستورالعمل است؛ بنابراین اولین دوره چرخش اجباری موسسات حسابرسی از سال ۱۳۹۰ قابل شناسایی است. بنابراین ما برای شناسایی تغییر اجباری از اطلاعات مالی سال‌های ۱۳۹۰، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ استفاده کرده‌ایم و در صورتی که حسابرس شرکت از سال ۱۳۸۶ به مدت ۴ سال متوالی تغییر نکرده باشد و در سال ۱۳۹۰، ۱۳۹۱ و یا ۱۳۹۲ تغییر کرده باشد را به عنوان تغییر اجباری شناسایی شده است.

تغییر داوطلبانه موسسات حسابرسی، اشاره به این دارد که موسسه حسابرس مستقل یک شرکت به صورت داوطلبانه تعویض گردد و از بین سایر موسسات واجد شرایط آن شرکت

به عنوان حسابرس جدید انتخاب شود. ما در صورتی تغییر حسابرس را داوطلبانه شناسایی می‌کنیم که حسابرس مستقل یک شرکت نسبت به حسابرس سال گذشته خود تغییر کرده باشد، به استثنای تغییراتی که پس از یک دوره متوالی ۴ ساله باشد. با توجه به پیشینه نظری پژوهش، فرضیه‌های زیر تدوین شده است:

**فرضیه اول:** بین توانایی مدیریت و تغییر حسابرس رابطه معناداری وجود دارد.

**فرضیه دوم:** بین توانایی مدیریت و تغییر داوطلبانه حسابرس رابطه معناداری وجود دارد.

**فرضیه سوم:** بین توانایی مدیریت و تغییر اجباری حسابرس رابطه معناداری وجود دارد.

### پیشینه

فرانسیس و همکاران (۲۰۰۸) چگونگی تفاوت کیفیت سود را با ویژگی‌های مدیریتی بررسی کردند. مطالعه آنها به بررسی رابطه بین کیفیت سود و اعتبار مدیر شرکت می‌پردازد. این تجزیه و تحلیل برای یک نمونه در حدود ۲۰۰۰ مشاهدات شرکت و در طول دوره ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۱ بوده است که یک رابطه منفی بین اعتبار مدیر و کیفیت سود پیدا شده است. آنها نتیجه گرفتند که هیئت مدیره، مدیران را به دلیل شهرت و تخصص خاص این افراد به مدیریت محیط‌های پیچیده‌تر استخدام می‌کنند. به عبارت دیگر، محیط‌های عملیاتی پیچیده‌ها دیگر ویژگی‌های ذاتی باعث پایین بودن کیفیت سود می‌شود نه عملیات مدیر.

دمرجان و همکاران (۲۰۱۲) به بررسی رابطه بین توانایی مدیریت و کیفیت سود پرداختند. آنها به این نتیجه رسیدند که رابطه معناداری بین توانایی مدیریت و کیفیت سود وجود دارد. آنها همچنین دریافتند که توانایی مدیریت با کیفیت اقلام تعهدی رابطه منفی و با پایداری سود و ضریب واکنش سود رابطه مثبتی دارد.

دمرجان و همکاران (۲۰۱۲) تحت پژوهشی با عنوان کیفیت توانایی‌های مدیریتی، یک اندازه‌گیری جدید و آزمون صحت آن، تأثیر مدیران بر عملکرد ۲۲۲۹ شرکت را برای دوره ۱۹۹۹-۲۰۰۹ بررسی کردند. آنها دریافتند که جایگزینی مدیران اجرائی با توان بالاتر، به جای مدیران رده پایین موجب بهبود عملکرد شرکت می‌شود و همچنین توانایی مدیریت موجب کاهش رابطه منفی بین تأمین مالی سهام و بازده غیرطبیعی در آینده می‌شود.

سی و ویلیام (۲۰۱۲) نقش توانایی مدیریت در تغییر حسابرس را مورد بررسی قرار دادند. آنها با استفاده از مدل اندازه‌گیری توانایی مدیریت دمرجان (۲۰۱۰) به یک رابطه



معکوس بین توانایی مدیریت و احتمال تغییر حسابرس پی بردند. آن‌ها دریافتند که شرکت‌هایی با مدیران کارآمد حدود ۷۶ درصد کمتر از شرکت‌های که در طبقه کمترین کارایی قرار گرفته بودند؛ احتمال تجربه تغییر حسابرس را دارند. نتایج به دست آمده مطابق با تئوری سطوح فوقانی است که بیان می‌دارد مدیران و ویژگی‌های منحصر به فرد آن‌ها نقش اساسی در نتایج سازمان دارند.

آندرو و همکاران (۲۰۱۳) رابطه بین توانایی‌های مدیریت و عملکرد شرکت‌ها در طول دوران بحران جهانی در سال ۲۰۰۸ را مورد بررسی قرار دادند. نتایج گواه رابطه مثبت بین توان مدیران و عملکرد شرکت‌هاست.

چن و همکاران (۲۰۱۵) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که توانایی مدیران یکی از اجزای اصلی موفقیت در تصمیم‌گیری‌های نوآوری بوده و دارای ارتباط مثبتی با ارزش بازار شرکت‌هاست.

باتوجه به جدید بودن موضوع نقش توانایی مدیریت در حوزه حسابرسی، تاکنون پژوهش داخلی در این زمینه انجام نشده است. اما در ادامه خلاصه‌ای از مرتبط‌ترین پژوهش‌ها ذکر می‌شود:

روحی و ایمان‌زاده (۱۳۸۸) به بررسی هفت دلیل عمده تغییر حسابرسان در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران شامل حق‌الزحمه حسابرسی، نوع اظهارنظر، اندازه و کیفیت مؤسسه حسابرسی، تغییر مدیریت صاحبکار، میزان سرمایه صاحبکار، اندازه شرکت صاحبکار و نرخ بازگشت سرمایه شرکت صاحبکار پرداختند. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون لجستیک تک‌متغیره نشان داد که حق‌الزحمه حسابرسی، کیفیت کار حسابرس، تغییر مدیران شرکت، اندازه شرکت و نرخ بازگشت سرمایه بر تغییر حسابرسان شرکت‌ها مؤثر است.

رضازاده و زارعی مروج (۱۳۸۸) تأثیر عوامل شناخته شده در سطح دنیا را بر تغییر حسابرسان شرکت‌های ایرانی در نمونه‌ای متشکل از ۳۷ شرکت با تغییر حسابرس و ۳۷ شرکت بدون تغییر حسابرس بررسی کردند. این پژوهش حق‌الزحمه حسابرسی، کیفیت کار حسابرسان، تغییر ترکیب مدیران شرکت‌ها و اندازه شرکت را به عنوان عوامل مؤثر بر تغییر حسابرس شناسایی کرد.

بولو و همکاران (۱۳۸۹) تأثیر تغییر حسابرس مستقل بر شفافیت اطلاعاتی شرکت‌های

پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۷ بررسی کردند. در این راستا تأثیر تغییر حسابرس مستقل بر رتبه شفافیت اطلاعاتی شرکت‌ها و تعديلات سنواتی مورد آزمون قرار گرفت و نتایج پژوهش نشان داد که تغییر حسابرس مستقل بر شفافیت اطلاعاتی شرکت‌ها تأثیری ندارد.

علوی طبری و بشیری‌منش (۱۳۹۲) در پژوهشی، واکنش سرمایه‌گذاران به کیفیت حسابرسی و تغییر حسابرس در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج تجربی نشان می‌دهد؛ کیفیت حسابرس و تغییر به حساب‌رسان بزرگتر اثر مثبتی بر ضریب واکنش سود برای شرکت‌های دارای سود غیرعادی مثبت (منفی) دارد و تغییر به حساب‌رسان کوچکتر اثر منفی بر ضریب واکنش سود برای شرکت‌های دارای سود غیرعادی مثبت (منفی) دارد. تغییر به حساب‌رسان بزرگتر کیفیت بالای سود را نشان می‌دهد و منجر به واکنش بیشتر سرمایه‌گذاران به تغییرات مثبت سود و افزایش قیمت و کاهش کمتر قیمت در صورت تغییرات منفی سود می‌شود. به طور مشابه تغییر به حساب‌رسان کوچکتر می‌تواند بیانگر کیفیت پایین سود باشد و منجر به پاسخ منفی به بازار گردد. بطور کلی، در بازار سرمایه ایران اطلاعات درباره شرکت حسابرسی برای سرمایه‌گذار با ارزش تلقی می‌شود.

بنی مهد و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با هدف شناسایی رابطه میان روابط سیاسی و تغییر حسابرس در یک دوره ۱۰ ساله از سال ۱۳۸۱ الی ۱۳۹۰ در ۱۰۶ شرکت از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نشان داده‌اند که دو متغیر روابط سیاسی و سودآوری با تغییر حسابرس رابطه‌ای معنی‌دار دارد.

ایزدی‌نیا و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «تأثیر توانایی مدیریتی بر کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» برای نخستین بار به بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر کیفیت سود پرداخته‌اند. نتایج حاصل از پژوهش آنها نشان می‌دهد که توانایی مدیریت بر ارائه صورت‌های مالی (سود و زیان)، به عنوان یکی از معیارهای کیفیت سود، تأثیر منفی دارد؛ بدین معنی که مدیران تواناتر، ارائه مجدد صورت‌های مالی کمتری خواهند داشت و در نتیجه کیفیت سود بالاتری دارند. نتایج آزمون فرضیه دوم بیانگر آن است که شواهد کافی در خصوص پذیرش تأثیر توانایی مدیریتی بر پایداری سود به عنوان معیاری از کیفیت سود، وجود ندارد.

پیری و همکاران (۱۳۹۳) به بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر کیفیت گزارشگری مالی

در طول چرخه عمر شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته‌اند. نتایج به‌دست آمده از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان داد که در دوره رشد، توانایی مدیریت تأثیر مستقیم معناداری بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد. در عین حال، نتایج نشان داد که در دوره بلوغ و افول، توانایی‌های مدیریتی شرکت‌ها نمی‌تواند به افزایش کیفیت گزارشگری این شرکت‌ها منجر گردد. همچنین، نتایج نشان‌دهنده تأثیر مستقیم اندازه شرکت، حاشیه سود و صداقت مدیریت و تأثیر غیرمستقیم اهرم مالی بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌هاست.

حاجب و همکاران (۱۳۹۳) به بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر ساختار سرمایه شرکت‌های صنعت مواد و محصولات دارویی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند؛ نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان داد که شرکت‌های با مدیران توانا تر از اهرم مالی بیشتری استفاده می‌کنند. همچنین، متغیرهای اندازه، دارایی‌های ثابت مشهود و دارایی‌های نامشهود تأثیر معناداری بر اهرم مالی ندارد.

بزرگ اصل و صالح‌زاده (۱۳۹۳) رابطه توانایی مدیریت و کیفیت اقلام تعهدی را در بورس اوراق بهادار تهران بررسی کردند. پژوهشگران تعداد ۷۹ شرکت را در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۷ بررسی کردند و نتایج آن‌ها بیانگر عدم وجود رابطه معنادار بین توانایی مدیریت و کیفیت اقلام تعهدی بود.

منصورفر و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر کیفیت سود پرداخته‌اند؛ نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که توانایی مدیریت تأثیر مثبت و معناداری بر کیفیت سود گذاشته؛ همچنین، باعث پایداری بیشتر سود و کیفیت بهتر اقلام تعهدی می‌شود. براساس تحلیل‌های صورت گرفته، بین توانایی مدیریت و معیار تجدید ارائه سود رابطه معناداری یافت نشد.

نمازی و غفاری (۱۳۹۴) در پژوهشی با هدف بررسی اهمیت تحلیل و بکارگیری اطلاعات توانایی مدیران به همراه نسبت‌های مالی در انتخاب و تشکیل سبد سهام کارا در بازار بورس اوراق بهادار تهران با این نتیجه رسیدند که اختلاف معنی‌داری بین میانگین بازدهی سبد سهام اول و دوم وجود ندارد. اما اختلاف بین سبد سهام سوم با سبدهای اول و دوم به طور جداگانه از نظر آماری معنی‌دار است. به این معنی که، تحلیل مجموع اطلاعات مرتبط با نسبت‌های مالی و شاخص توانایی مدیران شرکت‌ها در طی ۱۰ سال مطالعه، به

طور میانگین منجر به کسب بازدهی تقریباً دوبرابر نسبت به سبدهای سهام اول و دوم می‌گردد. این مسئله اهمیت و ارزش تحلیل اطلاعات مرتبط با توانایی مدیران را به عنوان اطلاعات مکمل نسبت‌های مالی به منظور سرمایه‌گذاری کارا و دستیابی به بازدهی مناسب در بورس اوراق بهادار تهران نشان می‌دهد.

### روش‌شناسی

اگر داده‌ها از محیطی که به گونه‌ای طبیعی وجود داشته فراهم شود یا از واقعه‌ای که بدون دخالت مستقیم پژوهشگر رخ داده است به وجود آمده باشد؛ پژوهشگر از یک طرح پس‌رویدادی یا شبه تجربی استفاده می‌کند (نمازی، ۱۳۸۹). این پژوهش نیز به دنبال کشف و بررسی روابط بین عوامل و شرایط خاص یا نوع رفتاری که قبلاً رخ داده؛ در حوزه تحقیقات اثباتی بر اساس اطلاعات تاریخی است. بنابراین از طرح شبه‌تجربی استفاده می‌شود. این طرح برای انجام پژوهش‌هایی به کار می‌رود که پژوهشگر در جستجوی علت یا علل روابط معینی است که در گذشته رخ داده و تمام شده است. اطلاعات بخش نظری پژوهش از طریق مراجعه به کتب، مجلات فارسی و انگلیسی، پایان‌نامه‌ها و اینترنت تأمین شده است. همچنین داده‌های مورد نیاز برای تجزیه و تحلیل از نرم افزار ره‌آورد نوین و تارنمای سامانه جامع اطلاع‌رسانی ناشران (کدال) گردآوری شده است. جامعه آماری، شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است که بر اساس معیارهای زیر انتخاب می‌شوند:

- ۱- به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، دوره مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفندماه باشد؛
  - ۲- طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۲ تغییر سال مالی و توقف عملیات نداشته باشند؛
  - ۳- شرکت انتخابی، جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و بانک‌ها نباشد؛ و
  - ۴- اطلاعات مورد نیاز آن‌ها از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۲ در دسترس باشد.
- باتوجه به محدودیت‌های فوق از بین تمامی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تعداد ۱۱۳ شرکت باقی ماند. از این‌رو، کل این شرکت‌ها مورد بررسی قرار گرفت و هیچ‌گونه نمونه‌گیری به عمل نیامد. تقسیم‌بندی صنایع مختلف و تعداد شرکت‌های موجود در هر صنعت در جدول ۱ نشان داده شده است.

## جدول ۱. گروه‌بندی صنایع و فراوانی آن‌ها در نمونه آماری

صنعت	گروه صنعت	صنایع زیر مجموعه	تعداد
۱	خودرو و ماشین‌آلات	ماشین‌آلات و تجهیزات، ماشین‌آلات و دستگاه‌های برقی، خودرو و ساخت قطعات	۲۶
۲	صنایع غذایی	محصولات غذایی و آشامیدنی به جز قند و شکر، قند و شکر، زراعت و خدمات وابسته	۱۰
۳	صنایع فلزی	ساخت محصولات فلزی، فلزات اساسی	۱۴
۴	صنایع کانی و معدنی	کاشی و سرامیک، استخراج سایر معادن، استخراج کانه‌های فلزی، سایر محصولات کانی غیرفلزی، سیمان، آهک و گچ	۲۲
۵	صنایع شیمیایی	محصولات شیمیایی، مواد و محصولات دارویی، لاستیک و پلاستیک، فرآورده‌های نفتی، کک و سوخت هسته‌ای	۳۶
۶	سایر صنایع	منسوجات، محصولات کاغذی، انتشار، چاپ و تکثیر، محصولات چوبی، رایانه و فعالیت‌های وابسته به آن	۵
			۱۱۳

## متغیرها

از مدل زیر برای آزمون فرضیه‌های پژوهش بهره گرفته شده است که متغیرهای آنها در ادامه به تفصیل معرفی می‌شوند.

$$\text{Audit Firm Rotation} = \beta_0 + \beta_1 \text{ Managerial Ability} + \beta_2 \text{ Ln (Total Assets)} + \beta_3 \text{ Leverage} + \beta_4 \text{ Sales Growth} + \beta_5 \text{ Operating Cycle} + \epsilon_i$$

رابطه ۱

## متغیر وابسته

**تغییر حسابرس:** در مدل اول هر دو نوع تغییر داوطلبانه و اجباری حسابرس مدنظر قرار گرفت که در ادامه هر دو آن توضیح داده خواهد شد.

**تغییر اجباری حسابرس:** موسسات حسابرسی از تاریخ ۱۳۹۰/۰۵/۰۸ در صورتی که ۴ سال متوالی حسابرس و بازرس قانونی شرکت بوده‌اند؛ نمی‌توانند مجدداً این سمت را عهده‌دار شوند. بنابراین برای شناسایی تغییر اجباری از اطلاعات مالی سال‌های ۱۳۹۰، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ استفاده شده است و در صورتی که حسابرس شرکت از سال ۱۳۸۶ به مدت

۴ سال متوالی تغییر نکرده باشد و در سال ۱۳۹۰، ۱۳۹۱ و یا ۱۳۹۲ تغییر کرده باشد به عنوان تغییر اجباری شناسایی شده است.

**تغییر داوطلبانه حسابرس:** تغییر داوطلبانه موسسات حسابرسی، اشاره به این دارد که موسسه حسابرس مستقل یک شرکت به صورت داوطلبانه تعویض گردد و از بین سایر موسسات واجد شرایط آن شرکت به عنوان حسابرس جدید انتخاب شود. در صورتی تغییر حسابرس داوطلبانه شناسایی می‌شود که حسابرس مستقل یک شرکت نسبت به حسابرس سال گذشته خود تغییر کرده باشد؛ به استثنای تغییراتی که پس از یک دوره متوالی ۴ ساله باشد.

### متغیر مستقل

توانایی مدیریت: در این پژوهش، مدل پیشنهاد شده توسط دمرجان و همکاران (۲۰۱۲) برای اندازه گیری توانایی مدیریت مورد استفاده قرار گرفته است. با توجه به پژوهش دمرجان و همکاران، معادله زیر برای محاسبه کل بهره‌وری شرکت مورد استفاده قرار گرفته است:

رابطه (۲)

Net Sale Revenue

$$PP \& E + Ops Lease + Good will + R \& D + Other Intan + CoGS + SG\&A$$

Net sale: فروش خالص

PP & E: خالص دارایی‌های ثابت

OPL: هزینه اجاره

GW: سرقفلی

R & D: هزینه تحقیق و توسعه

Intan: سایر دارایی‌های نامشهود

COGS: بهای تمام شده کالای فروش رفته

SG & A: هزینه‌های اداری و فروش

معادله فوق شامل توانایی مدیریت و ویژگی‌های شرکت می‌باشد. در این خصوص، بازده اختصاص داده شده شرکت به یک مدیر، باعث اغراق در توانایی مدیریت می‌شود. بر این اساس، در مرحله دوم از برآورد توانایی‌های مدیریتی، دمرجان و

همکاران (۲۰۱۰، ۲۰۰۹) برآورد بهره‌وری کل شرکت در مرحله اول را از بهره‌وری نامربوط به مدیران جاری پاک سازی کردند و معادله ذیل از رگرسیون اندازه شرکت، سهم از بازار، جریان‌های نقدی مثبت و شاخص ارز برای انجام عملیات جهانی به دست می‌آید.

$$\text{Firm Efficiency} = \beta_0 + \beta_1 \text{Ln (Total Assets)} + \beta_2 \text{Market Share} + \beta_3 \text{Positive Free Cash} + \beta_4 \text{Foreign Currency Indicator} + \epsilon_i \quad (\text{رابطه ۳})$$

Firm Efficiency: بهره‌وری شرکت

Total Assets: لگاریتم ارزش دفتری کل دارایی‌ها

Market Share: اندازه سهم بازار است که از رابطه ذیل بدست می‌آید:

$$\text{Market Share} = \frac{\text{میزان فروش در پایان سال}}{\text{کل میزان فروش صنعت}} \quad (\text{رابطه ۴})$$

Positive Free Cash: جریان وجوه نقد مثبت = اگر یک شرکت با یک جریان

نقدی مثبت وجود دارد؛ پس شاخص «جریان وجوه نقد» آن ۱ است در غیر این صورت صفر است.

Foreign Currency Indicator: شاخص ارزش خارجی = اگر یک شرکت دارای

صادرات باشد ۱ و در غیر این صورت، صفر است.

در نتیجه، باقی مانده مدل بالا معیار اصلی اندازه‌گیری توانایی مدیریت است که همان

نمره توانایی مدیریت است.

### متغیرهای کنترلی

اهرم مالی: برای اندازه‌گیری اهرم مالی از نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها استفاده شده است.

رشد شرکت: برای اندازه‌گیری متغیر کنترلی رشد از درصد تغییر در فروش استفاده

شده است.

چرخه عملیاتی: طبق پژوهش‌های دمرجان و همکاران (۲۰۱۰) چرخه عملیاتی نیز به

عنوان متغیر کنترلی در نظر گرفته شده و به شرح زیر محاسبه می‌شود (دمرجان و

همکاران، ۲۰۱۰):

$$\text{Operating Cycle} = \left( \frac{S/360}{\text{AAR}} + \frac{\text{CGS}/360}{\text{AI}} \right) \quad \text{رابطه (۵)}$$

S: فروش.

AAR: میانگین حساب‌های دریافتی.

CGS: بهای تمام شده کالای فروش رفته.

AI: میانگین موجودی کالا.

## یافته‌ها

### آمار توصیفی

جدول ۲ آمار توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش را نشان می‌دهد. بر اساس جدول ۲ مشاهده می‌شود که متغیر چرخه عملیاتی کمترین و متغیر توانایی مدیریت بیشترین انحراف معیار را به خود اختصاص داده است. چولگی عدم تقارن توزیع را نسبت به شاخص میانگین نشان می‌دهد هر چه قدر مطلق ضریب چولگی بزرگ‌تر باشد؛ تفاوت جامعه از

جدول ۲. آمار توصیفی متغیرها

نام متغیر	کمینه	میانگین	بیشینه	میان	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
توانایی مدیریت	۲/۸۳۳	۰/۰۰۰	۱/۷۲۷	-۰/۳۲۸	۳/۰۳۸	۹/۷۹۳	۱۰۷/۶۵
اندازه شرکت	۴/۲۵۵	۵/۷۹۵	۸/۰۱۵	۵/۷۳۴	۰/۶۰۸	۰/۷۳۲	۰/۹۷۷
اهرم مالی	۰/۰۸۹	۰/۶۷۴	۳/۷۶۰	۰/۶۶۸	۰/۲۵۱	۲/۹۰۶	۲۷/۳۹۵
رشد شرکت	۰	۰/۲۴۲	۹/۴۶۹	۰/۱۶۱	۰/۴۱۱	۱۱/۸۷۴	۳۲۸/۲۰۱
چرخه عملیاتی	۰	۰/۰۴۵	۱/۹۲۲	۰/۰۱۸	۰/۱۲۷	۸/۹۹۵	۱۰۱/۴۲۸
تغییر حسابرس	۰	۰/۱۹۶	۱	۰	۰/۳۹۷	۱/۵۳۰	۰/۳۴۱
تغییر اجباری	۰	۰/۰۵۴	۱	۰	۰/۲۲۶	۳/۹۵۳	۱۳/۶۴۷
تغییر داوطلبانه	۰	۰/۱۴۲	۱	۰	۰/۳۵۰	۲/۰۴۸	۲/۲۰۰

نظر قرینگی با توزیع متقارن بیشتر خواهد بود. متغیر رشد شرکت بیشترین ضریب چولگی را داراست و ضریب چولگی تمام متغیرهای پژوهش مثبت و چوله به راست می‌باشد.



آمار توصیفی تغییر اجباری و اختیاری حسابرس نیز در جدول ۳ ارائه شده است. باتوجه به اینکه چرخش موسسات حسابرسی پس از دوره ۴ ساله در سال ۱۳۸۶ الزامی شده است و شروع اولین دوره این مهلت از تاریخ تصویب این دستور العمل است؛ بنابراین اولین دوره چرخش اجباری موسسات حسابرسی از سال ۱۳۹۰ قابل شناسایی است؛ بنابراین همانطور که ملاحظه میشود، تعداد تغییر اجباری حسابرس در سال‌های ماقبل ۱۳۹۰، صفر می‌باشد.

جدول ۳. آمار توصیفی تغییر اجباری و داوطلبانه حسابرس

سال	تغییر اجباری	تغییر داوطلبانه	عدم تغییر	جمع
۱۳۸۳	۰	۱۸	۹۵	۱۱۳
۱۳۸۴	۰	۷	۱۰۶	۱۱۳
۱۳۸۵	۰	۲۳	۹۰	۱۱۳
۱۳۸۶	۰	۱۲	۱۰۱	۱۱۳
۱۳۸۷	۰	۱۷	۹۶	۱۱۳
۱۳۸۸	۰	۲۶	۸۷	۱۱۳
۱۳۸۹	۰	۲۳	۹۰	۱۱۳
۱۳۹۰	۶	۸	۹۹	۱۱۳
۱۳۹۱	۴۱	۱۴	۵۸	۱۱۳
۱۳۹۲	۱۴	۱۳	۸۶	۱۱۳
۱۳۸۳-۱۳۹۲	۶۱	۱۶۱	۹۰۸	۱۱۳۰
	٪۵/۴۰	٪۱۴/۲۵	٪۸۰/۳۵	٪۱۰۰

### آزمون فرضیه‌ها

باتوجه به اینکه در این پژوهش، متغیر وابسته پیوسته نبوده و فقط یکی از دو ارزش صفر و یک را داراست؛ بنابراین جهت انجام آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل رگرسیون لجستیک<sup>۱</sup> بهره گرفته شده است. مهمترین ویژگی مدل رگرسیون لجستیک این است که نیازی به برقراری فروض کلاسیک رگرسیون (شامل صفر بودن میانگین باقی مانده‌ها، ثابت بودن واریانس باقی مانده‌ها، عدم خودهمبستگی مرتبه اول باقی مانده‌ها و توزیع نرمال باقی مانده‌ها) را ندارد. در مدل رگرسیون لجستیک در خصوص آزمون معناداری هر یک از ضرایب رگرسیون لجستیک از آماره والد<sup>۲</sup> که یک توزیع خیدو است، استفاده می‌شود.

آزمون فرضیه اول: رابطه معناداری بین توانایی مدیریت و تغییر حسابرس وجود دارد. در جدول شماره ۴ مقدار ضرایب، خطای استاندارد، آماره والد، سطح معناداری و

ضرایب مورد انتظار برای فرضیه اول پژوهش در سطح کل صنایع مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به اینکه سطح معناداری توانایی مدیریت به عنوان متغیر مستقل پژوهش کمتر از ۰.۰۵ می‌باشد، می‌توان بیان کرد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، رابطه معناداری بین متغیر توانایی مدیریت و تغییر حسابرسان در سطح کل صنایع وجود ندارد.

جدول ۴. نتایج آزمون فرضیه اول در سطح کل صنایع

متغیرها	ضرایب بتا	خطای استاندارد	آماره والد	سطح معناداری	ضرایب مورد انتظار
مقدار ثابت	-۰/۵۳۱	۱/۰۵۲	۰/۲۵۵	۰/۶۱۳	۰/۵۸۸
توانایی مدیریت	۰/۱۷۶	۰/۲۳۲	۰/۵۷۵	۰/۴۴۸	۱/۱۹۳
دارایی‌ها	-۰/۱۶۸	۰/۱۸۴	۰/۸۳۱	۰/۳۶۲	۰/۸۴۵
اهرم	۰/۲۵۰	۰/۳۵۴	۰/۴۹۸	۰/۴۸۰	۱/۲۸۴
رشد	-۰/۱۸۰	۰/۲۶۷	۰/۴۵۲	۰/۵۰۱	۰/۸۳۵
چرخه عملیاتی	۰/۳۱۷	۰/۵۸۸	۰/۲۹۰	۰/۵۹۰	۱/۳۷۳

به دلیل آنکه صنایع مختلف دارای ماهیت و نوع فعالیت متفاوت می‌باشند و این مورد می‌تواند در نتایج آزمون فرضیه پژوهش تاثیر داشته باشد، این فرضیه در سطح هر صنعت نیز به صورت جداگانه مورد آزمون قرار گرفت و نتایج آن در جدول ۵ آورده شده است. با توجه به سطح معناداری هر صنعت مشاهده می‌شود که فقط در صنعت فلزی بین توانایی مدیریت و تغییر حسابرسان رابطه منفی و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر با افزایش توانایی مدیریت و یا وجود مدیران کارآمد احتمال تغییر حسابرسان کاهش پیدا می‌کند.

جدول ۵. نتایج آزمون فرضیه اول در سطح هر صنعت

صنایع	ضریب بتا	آماره والد	سطح معناداری
خودرو و ماشین‌آلات	۰/۲۷۹	۰/۱۶۳	۰/۶۸۶
صنایع غذایی	۱/۶۱۷	۲/۳۹۵	۰/۱۲۲
صنایع فلزی	-۲/۰۷۲	۵/۶۵۹	۰/۰۱۷
صنایع کانی و معدنی	۰/۸۴۷	۲/۵۳۷	۰/۱۱۱
صنایع شیمیایی	۰/۴۲۷	۰/۹۴۱	۰/۳۳۲
سایر صنایع	-۱/۸۹۹	۱/۷۸۳	۰/۱۸۲

اما از آنجایی که تغییر حسابر ممکن است داوطلبانه (اختیاری) و یا اجباری باشد فرضیه پژوهش نیز برای تغییر داوطلبانه و اجباری تدوین شده است که آثار آن را بررسی نماید. آزمون فرضیه دوم: رابطه معناداری بین توانایی مدیریت و تغییر داوطلبانه حسابر وجود دارد. در جدول ۶ تاثیر توانایی مدیریت و تغییر داوطلبانه حسابر در سطح کل صنایع تحت عنوان فرضیه دوم پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به اینکه سطح معناداری توانایی مدیریت به عنوان متغیر مستقل پژوهش کمتر از ۰.۰۵ می باشد، می توان بیان کرد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، رابطه معناداری بین متغیر توانایی مدیریت و تغییر داوطلبانه حسابر در سطح کل صنایع وجود ندارد.

جدول ۶. نتایج آزمون فرضیه دوم در سطح کل صنایع

متغیرها	ضرایب بتا	خطای استاندارد	آماره والد	سطح معناداری	ضرایب مورد انتظار
مقدار ثابت	۰/۶۹۸	۱/۲۵۲	۰/۳۱۱	۰/۵۷۷	۲/۰۱
توانایی مدیریت	۰/۲۷۱	۰/۲۶۸	۱/۰۲	۰/۳۱۲	۱/۳۱۲
دارایی ها	-۰/۳۹۹	۰/۲۲۲	۳/۲۴۶	۰/۰۷۲	۰/۶۷۱
اهرم	-۰/۰۵۴	۰/۴۱۰	۰/۰۱۸	۰/۸۹۵	۰/۹۴۷
رشد	-۰/۶۰۰	۰/۳۸۰	۲/۴۹۲	۰/۱۱۴	۰/۵۴۹
عملیاتی	۰/۵۶۰	۰/۶۶۵	۰/۷۰۸	۰/۴۰۰	۱/۷۵۰

فرضیه دوم پژوهش نیز به دلیل تاثیر صنایع مختلف در سطح هر صنعت مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن به در جدول ۷ آورده شده است:

جدول ۷. نتایج آزمون فرضیه دوم در سطح هر صنعت

صنایع	ضریب بتا	آماره والد	سطح معناداری
خودرو و ماشین آلات	۰/۳۱۶	۰/۱۰۵	۰/۷۴۶
صنایع غذایی	۱/۳۴۹	۱/۳۰۸	۰/۲۵۳
صنایع فلزی	-۲/۶۳۰	۵/۶۳۰	۰/۰۱۸
صنایع کانی و معدنی	۱/۳۶۲	۵/۵۲۱	۰/۰۵۵
صنایع شیمیایی	۰/۴۸۱	۱/۰۷	۰/۳۰۱
سایر صنایع	-۲/۰۳	۱/۷۱۹	۰/۱۹۰

با توجه به سطح معناداری هر صنعت مشاهده می شود که در صنایع فلزی بین توانایی مدیریت و تغییر داوطلبانه حسابر رابطه منفی و معنادار وجود دارد.

آزمون فرضیه سوم: بین توانایی مدیریت و تغییر اجباری حسابرس رابطه معناداری وجود دارد.

در جدول ۸ تاثیر توانایی مدیریت و تغییر اجباری حسابرس در سطح کل صنایع تحت عنوان فرضیه سوم پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به اینکه سطح معناداری توانایی مدیریت به عنوان متغیر مستقل پژوهش کمتر از ۰.۰۵ می‌باشد، می‌توان بیان کرد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، رابطه معناداری بین متغیر توانایی مدیریت و تغییر اجباری حسابرس در سطح کل صنایع وجود ندارد. البته این نتیجه به دلیل اجباری بودن تغییر حسابرس قابل پیش بینی بود.

جدول ۸. نتایج آزمون فرضیه سوم در سطح کل صنایع

متغیرها	ضرایب بتا	خطای استاندارد	آماره والد	سطح معناداری	ضرایب مورد انتظار
مقدار ثابت	-۵/۴۸۹	۱/۶۹۳	۱۰/۵۱۷	۰/۰۰۱	۰/۰۰۴
توانایی مدیریت	-۰/۰۲۶	۰/۳۹۳	۰/۰۰۴	۰/۹۴۸	۰/۹۷۵
دارایی‌ها	۰/۳۴۸	۰/۲۸۹	۱/۴۵۴	۰/۲۲۸	۱/۴۱۶
اهرم	۰/۸۰۸	۰/۵۸۳	۱/۹۱۹	۰/۱۶۶	۲/۲۴۳
رشد	۰/۱۸۳	۰/۲۲۳	۰/۶۷۵	۰/۴۱۱	۱/۲۰۱
عملیاتی	-۰/۱۵۷	۱/۰۸۱	۰/۰۲۱	۰/۸۸۵	۰/۸۵۵

فرضیه سوم پژوهش در سطح هر صنعت نیز مورد مطالعه قرار گرفت که نتایج آن به در جدول ۹ آورده شده است:

جدول ۹. نتایج آزمون فرضیه سوم در سطح کل صنایع

صنایع	ضریب بتا	آماره والد	سطح معناداری
خودرو و ماشین‌آلات	۰/۱۸۴	۰/۰۴۲	۰/۸۳۷
صنایع غذایی	۱/۷۸۹	۰/۹۳۱	۰/۳۳۴
صنایع فلزی	-۱/۱۵۷	۰/۹۰۳	۰/۳۴۲
صنایع کانی و معدنی	-۱/۱۳۰	۰/۶۴۸	۰/۴۲۱
صنایع شیمیایی	-۰/۰۴۵	۰/۰۰۲	۰/۹۶۴
سایر صنایع	-۰/۱۵۵	۰/۰۰۳	۰/۹۵۹

همانطور که به دلیل اجباری بودن تغییر قابل پیش بینی بود، مشاهده می شود که توانایی مدیریت با تغییر اجباری حسابرس در سطح هر صنعت نیز رابطه معناداری ندارد.

### بحث و نتیجه گیری

نتایج حاصل از بررسی نمونه ای مشتمل بر ۱۱۳ شرکت و با استفاده از معیاری جدید برای سنجش توانایی مدیریت و همچنین پس از کنترل متغیرهای مستند در پژوهش های مرتبط، حاکی از آن است که توانایی مدیریت نتوانسته تأثیر قابل ملاحظه ای بر تغییر حسابرسان در سطح کل صنایع داشته باشد. این موضوع در مورد هر دو نوع تغییر داوطلبانه و اجباری در سطح کل صنایع نیز صادق است. فرضیه های پژوهش در سطح هر صنعت نیز مورد بررسی قرار گرفت که مشاهده شد در صنعت فلزی توانایی مدیران اثر منفی و معناداری بر تغییر حسابرس و تغییر داوطلبانه حسابرس دارد و نشان می دهد با افزایش توانایی مدیریت امکان تغییر حسابرس و تغییر داوطلبانه حسابرس در این صنعت کاهش می یابد. این نتایج با نتایج پژوهش سی و ویلیامز (۲۰۱۲) سازگار است آن ها به یک رابطه معکوس بین توانایی مدیریت و احتمال تغییر حسابرس پی بردند و دریافتند که شرکت هایی با مدیران کارآمد از شرکت های که در طبقه کمترین کارایی قرار گرفته بودند؛ احتمال کمتری دارند که تغییر حسابرس داشته باشند. نتایج به دست آمده مطابق با تئوری سطوح فوقانی است که بیان می دارد مدیران و ویژگی های منحصر به فرد آنها نقش اساسی در نتایج سازمان دارند.

اما این تاثیر منفی فقط در صنعت فلزی برقرار بود و در سطح کل صنایع رابطه معنادار نمی باشد که این امر می تواند از یک سو ناشی از شرایط بی ثبات اقتصادی ایران باشد که توان تخمین و قضاوت صحیح مدیران را کاهش می دهد و از سوی دیگر همانگونه که در بخش پیشینه پژوهش ذکر شد، در ایران تغییر حسابرسان بیشتر متأثر از عوامل دیگری همچون حق الزحمه حسابرسی، اندازه شرکت، نرخ بازگشت سرمایه و تغییر ترکیب مدیران واحد تجاری است.

یکی از مهم ترین محدودیت های این پژوهش که نتایج را ممکن است تحت تأثیر قرار دهد این است که در ایران پایگاه داده مناسبی در ارتباط با مدیران و ویژگی های آنان موجود نیست و این امر امکان سنجش توانایی مدیریت را دشوار می سازد.

## یادداشت‌ها

- |                                  |                                  |
|----------------------------------|----------------------------------|
| 1. Neoclassical Economic Theory  | 2. Upper Echelons Theory         |
| 3. Managerial Ability            | 4. Return On Assets (ROA)        |
| 5. Corporate governance          | 6. voluntary audit firm rotation |
| 7. Mandatory audit firm rotation | 8. Logistic Regression           |
| 9. Wald                          |                                  |

## منابع

- ایزدی‌نیا، ناصر؛ گوگردچیان، احمد و تنباکویی، مژگان (۱۳۹۳). «تأثیر توانایی مدیریتی بر کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران». *مجله پژوهش‌های حسابداری مالی*، سال ششم، شماره ۲۳، صص ۲۱-۳۶.
- بزرگ‌اصل، موسی و صالح‌زاده، بیستون (۱۳۹۳). «توانایی مدیریت و کیفیت ارقام تعهدی». *مجله دانش حسابداری*، سال پنجم، شماره ۱۷، صص ۱۱۹-۱۳۹.
- بنی‌مهد، بهمن؛ حساس‌یگانه، یحیی و یزدانیان، نرگس (۱۳۹۲). «روابط سیاسی و تغییر حسابرس: شواهدی از موسسات حسابرسی بخش خصوصی». *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، دوره ۲، شماره ۸، صص ۱-۱۲.
- بولو، قاسم؛ طالبی، میثم (۱۳۸۹). «معیارها و مدل‌های اندازه‌گیری کیفیت سود». *ماهنامه بورس*، شماره ۹۲، صص ۲-۱۰.
- بولو، قاسم؛ مهام، کیهان و گودرزی، اسماعیل (۱۳۸۹). «تغییر حسابرس مستقل و شفافیت اطلاعاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران». *مجله دانش حسابداری*، شماره ۱، صص ۱۱۱-۱۳۵.
- پیری، پرویز؛ دیدار، حمزه و خدایاریگانه، سیما (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر کیفیت گزارشگری مالی در طول چرخه عمر شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران». *مجله پژوهش‌های حسابداری مالی*، سال ششم، شماره ۲۱، صص ۹۹-۱۱۸.
- حاجب، حمیدرضا؛ غیوری‌مقدم، علی و غفاری، محمدجواد (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر ساختار سرمایه در صنعت مواد و محصولات دارویی». *حسابداری سلامت*، شماره ۹، صص ۱-۱۷.
- رضازاده، جواد؛ زارعی مروج، کمال (۱۳۸۸). «عوامل مؤثر بر تغییر حسابرسان در شرکت‌های

- ایرانی». فصلنامه مطالعات حسابداری، شماره ۲۰، صص ۸۹-۱۰۵.
- روحی، علی؛ ایمان زاده، پیمان (۱۳۸۸). «بررسی دلایل تغییر حسابرسان در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران». پژوهش نامه حسابداری مالی و حسابرسی، شماره ۴، صص ۱۸۵-۱۹۸.
- سازمان بورس و اوراق بهادار تهران (۱۳۹۲). «دستورالعمل موسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار». مصوب جلسه ۸/۵/۱۳۸۶ و اصلاحیه های مورخ ۱۷/۱۱/۱۳۹۰ و ۳۱/۰۴/۱۳۹۲ شورای عالی بورس و اوراق بهادار، تهران.
- علوی طبری، سیدحسین و بشیری منش، نازنین (۱۳۹۲). «اثر کیفیت حسابرسی و تغییر حسابرس بر بازار سرمایه». دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، دوره ۲، شماره ۶، صص ۶۵-۷۶.
- فرهی بوزنجانی، برزو (۱۳۸۴). «معرفی الگوی توسعه توانایی های مدیریتی مورد نیاز مدیران (نظام اداری کشور)». مجله دانش مدیریت، شماره ۶۸، صص ۷۳-۹۲.
- کریمی، مرتضی (۱۳۸۶). «آموزش مدیران با الگوی شایستگی». ماهنامه تدبیر، دوره ۱۸، شماره ۱۷۹، صص ۲۴-۲۷.
- منصورفر، غلامرضا؛ دیدار، حمزه و حسین پور، وحید (۱۳۹۴). «بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر کیفیت سود شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران». مجله پژوهش های حسابداری مالی، سال هفتم، شماره ۲۳، صص ۳۷-۵۴.
- مهدوی، غلامحسین و ابراهیمی، شهلا (۱۳۸۹). «تغییر حسابرس: چراغ قرمز یا سبز». مجله حسابرس، شماره ۴۹، صص ۱۱۳-۱۲۱.
- نمازی، محمد و غفاری، محمدجواد (۱۳۹۴). «بررسی اهمیت و نقش اطلاعات توانایی مدیران و نسبت های مالی به عنوان معیاری در انتخاب سبد بهینه سهام در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران (با استفاده از تحلیل پوششی داده ها)». فصلنامه حسابداری مالی، سال هفتم، شماره ۲۶، صص ۱-۲۹.
- Andreou, P. C., Ehrlich, D., & Louca, C. (2013). Managerial Ability and Firm Performance: Evidence from the Global Financial Crisis. Retrieved October, 28, 2014.
- Bamber, L. S., Jiang, J. and I. Y. Wang. (2010). What's my style? The influence of top managers on voluntary corporate financial disclosure. *The Accounting Review*, 85(4): 1131-1162.
- Bertrand, M., & Schoar, A. (2003). Managing with style: The effect of

- managers on firm policies. *The Quarterly Journal of Economics*, 118(4): 1169-1208.
- Cassell, C. A., & Giroux, G. A., & Myers, L. A. and T. C. Omer. (2012). The effect of corporate governance on auditor-client realignments. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 31(2): 167-188.
- Chen, Y., Podolski, E., & Madhu, V (2015). Does managerial ability facilitate corporate innovative success?. *Journal of Empirical Finance*, Forthcoming.
- Demerjian, P. R., Lev, B., Lewis, M. F., & McVay, S. E. (2012). Managerial ability and earnings quality. *The Accounting Review*, 88(2), 463-498.
- Demerjian, P., Lev, B., & McVay, S. (2012). Quantifying managerial ability: A new measure and validity tests. *Management Science*, 58(7), 1229-1248.
- Dyreng, S. D., & Hanlon, M., & Maydew, E. L. (2010). The effects of executives on corporate tax avoidance. *The Accounting Review*, 85(4): 1163-1189.
- Fee, C. E., & Hadlock, C. J. (2003). Raids, Rewards, and Reputations in the Market for Managerial Talent. *The Review of Financial Studies*, 16(4): pp 1315-1357.
- Francis, J., A. Huang, S. Rajgopal., & A. Zang. (2008). CEO Reputation and Earnings Quality. *Contemporary Accounting Research*. 25(1): 109-147.
- Ge, W., Matsumoto, D., & Zhang, J. L. (2011). Do CFOs have style? An empirical investigation of the effect of individual CFOs on accounting practices. *Contemporary Accounting Research*, 28(4): 1141-1179.
- Hambrick, D. C., & Mason, P. A. (1984). Upper echelons: The organization as a reflection of its top managers. *Academy of management review*, 9(2), 193-206.
- Lee, H. Y., Mande, V., & Ortman, R. (2004). The effect of audit committee and board of director independence on auditor resignation. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 23(2), 131-146.
- Li, C., Sun, L., & Ettredge, M. (2010). Financial executive qualifications, financial executive turnover, and adverse SOX 404 opinions. *Journal of Accounting and Economics*, 50(1), 93-110.



- 
- Milbourn, T. T. (2003). CEO reputation and stock-based compensation. *Journal of Financial Economics*, 68(2), 233-262.
- Seay, R. A., & Williams, T. (2012). The Role of Managerial Ability in Auditor Changes: Does Efficiency Matter?. Working Paper, University of Mississippi.
- Stefaniak, C. M., Robertson, J. C., & Houston, R. W. (2009). The causes and consequences of auditor switching: A review of the literature. *Journal of Accounting Literature*, 28, 47.
- Terviö, M. (2008). The difference that CEOs make: An assignment model approach. *The American Economic Review*, 642-668.